



تحلیلی درباره:

بازرگانی خارجی

نهضت آزادی ایران

تیرماه ۱۳۶۱

تحلیلی درباره بازرگانی خارجی

مبارزات سالیان دراز ملت ایران بالاخره در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به ثمر نشست و نظام استبدادی وابسته به استیلای خارجی درهم شکست و ملت ایران پیروز گردید.

با پیروزی ملت نظم سیاسی حاکم بر میهن ما نابود شد و متعاقب آن نظم سیاسی جدیدی مستقر گردید. اما هدف حرکت اسلامی تنها آن نبود که روابط سیاسی نظام استبدادی و استعماری را درهم بشکند بلکه هدف بطوریکه در شعارهای اصلی روزهای انقلاب آمده بود و می‌گفتند "استقلال - آزادی جمهوری اسلامی" ایجاد یک حکومت و نظام اسلامی در تمامی ابعاد و اجزاء آن از جمله اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر اساس معیارها و ارزشهای توحیدی بوده است.

نظام پیشین، با ویژگی‌های خود، استبداد داخلی و سلطه استعمار و امپریالیسم، در هر یک از ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خصوصیات داشته است که متناسب با معیارها و ارزشهای همان نظام شکل گرفته بودند و در خدمت اهداف همان نظام قرار داشتند.

روابط ریشه‌دار اقتصادی در نظام گذشته بر اساس معیارهای همان نظام و در جهت تحقق اهداف آنان بوده است. پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن اگر چه روابط سیاسی استبداد و سلطه اجانب را بر هم زد و از بین برد اما روابط اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی مولود نظام پیشین علیرغم آنکه بر هم خوردند هنوز از بین نرفته‌اند و هنوز همان روابطی هستند که در بسیاری از موارد با

معیارهای اسلامی مفایرت یا منافات دارند. تا زمانی که روابط جدید اقتصادی متناسب با هدفها و ارزشها و معیارهای اسلامی جایگزین روابط گذشته نشوند حرکت اسلامی در بعد اقتصادی به هدفهای خود نرسیده و جامعه مقبول اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد.

نهضت آزادی ایران معتقد است تداوم انقلابی که در ۲۲ بهمن ۵۷ به پیروزی رسید بمعنای از بین بردن روابط ظالمانه و غیر اسلامی گذشته و استقرار روابط عادلانه نوین میباشد.

ویژگی روابط اقتصادی در نظام پیشین

در دو قرن گذشته کشورهای دنیای سوم گرفتار نوع جدیدی از استیلای خارجی بصورت استعمار مرثی و نامرثی بوده اند که برخلاف استیلای خارجی نوع قدیم هدفش بهره کشی اقتصادی و انتقال منابع ثروت و درآمدها از کشورهای تحت سلطه به کشور مادر (متروپل) یا تامین بازار برای کالاهای خود بوده و با تکیه بر استبداد محلی و بومی شدیدترین نوع ظلم و ستم اقتصادی در اشکال گوناگون را بوجود آورده است.

در کشور ما، استبداد پهلوی بعنوان وسیله و ابزاری در دست استیلای خارجی که بشکل استعمار نامرثی عمل میکرده است در طول ۶۰ سال اقتصاد ما را تماما به اقتصاد قدرتها و ابر قدرتهای خارجی وابسته ساخت، منابع ملی و طبیعی ما را غارت کرد و تولید داخلی را بمیزان وسیعی نابود ساخت.

نهضت آزادی ایران از بدو فعالیت خود و موسسین آن قبل از اعلام تشکیل نهضت، در سازمان نهضت مقاومت ملی، همواره به موازات مبارزه با استبداد داخلی با سلطه سیاسی و اقتصادی استعمارگران خارجی بخصوص انگلیس و آمریکا و با ظلم و ستم اقتصادی و بیعدالتیها مبارزه کرده و از هر فرصت مناسبی برای

افشای ماهیت اسارت بار روابط رژیم استبدادی باسلطه گران خارجی استفاده کرده است.

در سال ۱۳۴۱ در زمانی که امریالیسم آمریکا در جهت تثبیت منافع خود نقشه جدیدی به شکل "انقلاب سفید" را مطرح ساخت، نهضت آزادی ایران با توجه به رسالتی که در مبارزه با روابط اسارت بار اقتصادی ابر قدرتها با ایران احساس میکرد به افشاگری و مبارزه جدی با آن طرحها برخاست و بعنوان اولین و تنها گروه سیاسی - اسلامی، در برابر تهاجم جدید استیلای خارجی که در آن سال تحت عنوان انقلاب سفید مطرح شده بود قاطعانه موضع گرفت و به افشاگری هدفهای کوتاه مدت و دراز مدت استبداد پهلوی و حامیان امریالیستیش پرداخت. نهضت طی بیانیه‌ای که بهمین مناسبت تحت عنوان "ایران در آستانه یک انقلاب بزرگ!؟" تاریخ خود "بتاریخ سوم بهمن ۱۳۴۱ منتشر ساخت چنین نوشت:

"نهضت آزادی ایران در برابر اعلام فرماندوم شش ماده‌ای شاهانه^۱ و تحول عظیمی^۱ که خبر آنرا داده‌اند وظیفه تاریخی خود میدانند با تکای خداوند سبحان و علیرغم محیط خفقان و تهدیدهای سختی که متوجه وجود نهضت و افراد آن میشود سکوت نکرده اظهار نظر و اعلام خطری بنماید.

دو چیز تیره عقل است دم فرو بستن

بوقت گفتن و گفتن بوقت خاموشی

با احساس چنین رسالتی نهضت آزادی از ماهیت واقعی آن برنامه پرده برداشته و سپس اعلام کرد:

"دولتهای خارجی بخوبی مایلند با این طرح مدرن مترقی! ملی! بما در عالم انسان دوستی! و ایران نوازی کمک نمایند. سرمایه می‌آورند. کارشناس می‌آورند، ماشین

می‌آورند آموزگار و مربی دلسوز! می‌آورند. شرکتهای تعاونی ما را در اعماق و اقطار مملکت در دست خود می‌گیرند و سرو سامان میدهند... اما بچه نوع و بچه ترتیب؟ خوب است نگوئیم چطور؟"

"اربابان خارجی که جانشین اربابان ایرانی میشوند هم از آخور خواهند خورد و هم از توبره. اسما سرمایه و بلا فاصله ماشین و کارشناس می‌آورند ولسی با بهره و بهای هنگفت و عایدات دیگر، با نو نوار کردن دهاتیها و با پاشیدن قرضه‌ها و قسطها، انواع بنحلهای بازار خودشان از قبیل رادیو، تلویزیون، ماتیک، پلاستیک و غیره سیل‌وار بکوه و دشت ایران به قیمت‌های دلخواه سرازیر خواهند کرد. در حالیکه صنعت تازه مولود ایران با ضربه‌هایی که بر پیکر ضعیفش خورده است نخواهد توانست حواب احتیاجات روز افزون شهری و دهاتی را بدهد و بازار ایران بیش از پیش قبضه تجاوز یهودیان و سوداگران زالو صفت بین‌المللی خواهد شد.

نه تنها از جهت مصنوعات و احتیاجات غیر خوراکی زندگی، بلکه از جهت محصولات داخلی و محلی نیز چنان که کمبود بود و کسری در کشت و تولید دهات مادر اثر بی‌صاحب و سامانی و بسی‌بند و باری پدیدار خواهد شد که اگر به رحمت! دولتهای بعد از کودتا کسری گندم و کره و کنسرو ما سال بسال بیشتر از خارجه می‌آید بزودی گاه و یونجه و نخود ولوبیا و خیار و گوجه و پیاز ما را نیز باید با ارز وارد کنیم"

"خلاصه آنکه وقتی ترازنامه عملکرد چند ساله را برسید

خواهید دید ارباب ایرانی رفته ارباب خارجی جایش آمده و شاید فعالیت تولیدی هم زیاد شده ولی رعیت ایرانی حمال الحطب خارجی گشته ، در حقیقت برای او کاشته درو کرده دسترنجی گرفته ، اما دسترنجش و اندوخته اش را هم باو داده است . اضافه بر آن سنت و مذهب و اخلاق و استقلالش را هم از دست داده است . سیاست و اقتصاد خارجی هم نیرو و نقدینه زارع ایران را و بالاخره یکمده هم شیر و عصاره خاک ایران را " .

همزمان با انتشار این بیانیه سران و فعالین نهضت آزادی دستگیر و سپس

در محاکم نظامی محاکمه شدند .

اما بررسی اجمالی از روند تحولات اقتصادی از زمان کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و یا از زمان انتشار این بیانیه تا پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷ نشان میدهد که چگونه پیش بینی ها و اعلام خطر نهضت کلا درست و بجا بوده است .

بالا رفتن قیمت نفت در سال ۱۳۵۲ که در نتیجه آن سطح درآمد ارزی دولت ایران ب میزان غیر قابل تصویری بالا رفت همگام با نارسائی صنایع و تولیدات داخلی روند وابستگی اقتصادی ما را به قدرتها و ابر قدرتهای خارجی شدیدتر و عمیق تر نمود . اقتصاد تک محصولی وابسته به نفت آن چنان وضعی را بر ملت ما تحمیل کرد که قسمت عظیم درآمد ایران از محل فروش نفت ، لاجرم با خرید کالاهای مختلف مصرفی و بانظامی ، مجدداً به جیب سرمایه داران خارجی خصوصاً در آمریکا و اروپا باز می گشت . البته برای توسعه و تولید هم سرمایه گذاری هائی صورت گرفت ولی

اولاً این سرمایه گذاریها مبتنی بر حسن نیت و بصیرت نبود .

ثانیاً قسمت اعظم آنچه ایجاد شد صنایع وابسته و مونتاژ و تولید کننده

کالاهای مصرفی و در جهت منافع بیگانگان و وابستگانشان بود و کمتر اقدامی در ایجاد صنایع اساسی و مادر صورت گرفت.

بررسی آمار بازرگانی خارجی ایران در طی دوران سلطه استبداد شاه معدوم، خصوصا در دهه سالهای ۴۰ و ۵۰ ابعاد و عمق فاجعه و وابستگی اقتصادی را به خوبی نشان میدهد.

حجم واردات ایران در طول برنامه‌های باصلاح عمرانی چهارم و پنجم (از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۶) بیش از ده برابر بالا رفت. واردات ایران که در سال ۴۶ بالغ بر ۱/۵ میلیارد دلار بوده در سال ۵۶ به حدود ۱۴/۵ میلیارد دلار رسید. واردات کشور نه تنها به چنین حجم وحشت آوری رسید بلکه در جهت تحقق برنامه‌های فرهنگی رژیم، حجم واردات مشروبات الکلی و دخانیات حدود ۲۵۰۰ درصد بالا رفت.

مقایسه این ارقام بدرستی پیش‌بینی‌های واقع‌بینانه نهضت آزادی را به خوبی نشان میدهد. ادامه چنان وضعی برای ملت ایران قابل قبول و تحمل و دوام نبود. تا زمانی که کشورمان از نظر اقتصادی وابسته به اجانب است چگونه میتوان از استقلال سخن گفت. چنان روابطی میبایستی از اساس دگرگون میشد. پیروزی انقلاب اسلامی این روابط را بر هم زد ولی بکلی ریشه کن نکرده است و چیزی هم بر جایش نگذاشته است.

از جانب دیگر، همانطور که نهضت آزادی ایران پیش‌بینی کرده بود در نتیجه اعمال طرحهای حکیم فرموده خارجی، مردم محروم، گرفتار بدترین نوع ظلم و ستم اقتصادی شدند و محرومیت و فقر و بی‌عدالتی و اختلافات طبقاتی به شدیدترین وجهی حاکمیت یافت.

در حالیکه اکثریت بزرگی از هموطنان ما از ابتدائی‌ترین امکانات زندگی محروم بودند که متأسفانه بسیاری هنوز هم هستند. اقلیتی از تمامی امکانات و نعم زندگی، بحد اکثر ممکن برخوردار بوده و هم اکنون نیز میباشند.

در حالیکه در میهن ما مردمی هستند که هنوز هم آب آشامیدنی نداشته و از لوازم اولیه زندگی محرومند جمعی دیگر غرق در زندگی تجملی و مصرفی گشته‌اند. ادامه چنین وضعی برای یک مسلمان و برای حرکت اسلامی قابل تحمل نمیباشد.

حرکت اسلامی خود را متعهد بایجاد قسط و عدل اسلامی میدانند و نهضت آزادی ایران که متعهد به دفاع از اسلام و ایران و تداوم انقلاب است نمی‌تواند در برابر این بیعدالتی‌ها، ظلم و ستم‌ها، در برابر فقر و محرومیت کشنده بخش عظیمی از مردم کشورمان بی تفاوت باشد.

نهضت آزادی ایران استقلال واقعی و همه جانبه کشور را جدای از استقلال اقتصادی و قطع تمامی وابستگی‌های اسارت بار به اجانب خواه شرقی و خواه غربی، نمیداند.

نهضت آزادی ایران لازمه تداوم انقلاب را بر هم زدن چنین روابط ظالمانه و غیر اسلامی و بعضاً ضد اسلامی و ایجاد استقرار حکومت قسط و عدل بر پایه ضوابط مقبول و منطقی بر اساس معیارهای اسلامی میدانند. و تحقق این آرمانها و بالا رفتن تولید واقعی و توزیع عادلانه را تنها از طریق حاکمیت منطق، نظم، عقل و مدیریت صحیح و نه با شعار و حرف و جوسازی و هیجان زدگی امکان پذیر می‌بیند.

قانون اساسی و مسائل اقتصادی

خوشبختانه قانون اساسی جمهوری اسلامی هدفها و آرمانها و خطوط کلی را به میزان قابل ملاحظه‌ای مشخص و روشن کرده است که می‌تواند و باید پایه و اساس کار قرار گیرد.

در تمامی انقلاباتی که در کشورهای دنیای سوم رخ میدهد دو مسئله اساسی،

از جهت اقتصادی مورد توجه اساسی قرار می‌گیرد. مسئله اول تامین استقلال اقتصادی است که بدون آن استقلال سیاسی هرگز تحقق نخواهد پذیرفت. مسئله دوم تامین نیازهای اساسی مردم و ریشه کن کردن فقر و محرومیت است. این دو مسئله اگرچه لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند اما در تنظیم برنامه‌های اقتصادی لاجرم باید اولویت‌ها را مشخص و معین نمود. و در این کشورها، لاجرم باید اولویت را در تمامی برنامه‌های مراحل اولیه به کسب استقلال اقتصادی و رسیدن به مرحله خود کفائی داد. تامین نیازهای اساسی اگرچه آرمان مقدسی است اما نسبت به تامین استقلال اقتصادی در مرحله دوم اهمیت قرار می‌گیرد. تلاش برای تامین نیازهای اساسی، قبل از مرحله تحقق خودکفائی و استقلال اقتصادی به ایجاد تقاضاهای جدید و ازدیاد تقاضاهای گذشته منجر میگردد که خطرناک بوده و به تشدید وابستگی‌ها و از دست دادن استقلال می‌انجامد.

در قانون اساسی، ضمن تاکید بر هر دو مسئله یعنی تامین استقلال اقتصادی و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و تامین نیازهای اساسی متأسفانه تاکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی، صنعتی در داخل مملکت، که تنها راه مشروع و معقول تامین نیازهای عمومی و رسیدن به خود کفائی است در مرحله دوم اهمیت قرار داده شده است و از اشتباهات بزرگی هم که پس از پیروزی انقلاب اتفاق افتاده این است که بجای تلاش گسترده و همه جانبه در جهت بالا بردن تولید و تهیه امکانات جهت بکارگیری همه استعدادها و تسهیل در امر تولید و تشویق فعالیت‌ها، تبلیغات وسیعی روی تهیه و تامین نیازهای اساسی شده و در نتیجه بحران اقتصادی، بجای تخفیف یافتن، تشدید شده است. و علیرغم حملات، تبلیغات و ادعاها، واردات بیشتر و مملکت وابسته‌تر شده است.

این مسئله ارزش آن را دارد که بطور جدی جداگانه مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

* * *

سلطه بند ج از اصل دوم قانون اساسی بدرستی هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری را نفی کرده و هدف جمهوری اسلامی را تامین قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی همبستگی ملی بیان می کند . بند ۵ از اصل سوم "طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ احانب" را هدف قرار داده است . و بند ۱۲ از اصل سوم "پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه" و بند ۱۳ در همین اصل تامین خود کفائی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها را عنوان نموده است .

و بالاخره در جهت تحقق قسط و عدل اسلامی ؛ فصل چهارم قانون اساسی محورهای اصلی مسائل اقتصادی و امور مالی را روشن ساخته است .

اصل ۴۳ قانون اساسی مقرر میدارد :

"... برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد ، با حفظ آزادی او ، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار میشود :

۱ - تامین نیازهای اساسی : مسکن ، خوراک ، پوشاک ، بهداشت ، درمان آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه .

۲ - تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر بکارند ولی وسائل کار ندارند ، در شکل تعاونی ، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی

شود و نه دولت را بصورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد .
این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه
ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت
گیرد "

در اصل ۴۴ قانون اساسی محورهای اساسی و پایه مالکیت در جمهوری اسلامی

شخص شده‌اند :

"نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بر پایه سه بخش دولتی ،
تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است :
بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ ، صنایع مادر ،
بازرگانی خازجی ، معادن بزرگ ، بانکداری ، بیمه ، تامین
نیرو ، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی ، رادیو و تلوزیون
پست و تلگراف و تلفن ، هواپیمائی ؟ کشتیرانی ، راه و راه
آهن و مانند اینهاست که بصورت مالکیت عمومی و در اختیار
دولت است .

بخش تعاونی شامل شرکتها و موسسات تعاونی تولید و
توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل
می‌شود .

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی ، دامداری
صنعت تجارت و خدمات میشود که مکمل فعالیتهای اقتصادی
دولتی و تعاونی است .

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این
فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود
و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان
جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است .

تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین میکند ."

بازرگانی خارجی در روابط اقتصادی:

در مجموعه روابط اقتصادی کشور مسئله بازرگانی خارجی محور اصلی و عمده‌ای را تشکیل میدهد. در دنیای امروز، نه تنها در کشورهای دنیای سوم بلکه در تمامی کشورها، بازرگانی خارجی در اقتصاد آنها اهمیت حیاتی دارد. بهمین دلیل کمتر کشوری است در جهان که تمامی یا بخش عمده از بازرگانی خارجی آن تحت نظارت یا کنترل مستقیم و یا غیر مستقیم و یا تصدی دولت نباشد.

اصولا بازرگانی خارجی کشورهایی که بخواهند با استقلال واقعی برسند و وابستگی‌های اسارت‌بار را ریشه کن کنند بویژه کشورهای دنیای سوم که عموماً از جهت اقتصادی عقب‌نگهداشته شده و یا در حال رشد هستند و روابط اقتصادی حاکم بر آنها عمدتاً در کنترل ابر قدرتهای شرقی و غربی است نمی‌تواند تحت نظارت و هدایت همه جانبه دولت نباشد.

اما این نظارت و هدایت و تصدی دولت شمشیر لبه‌ای است که گاه بجای آنکه مفید واقع گردد بسختی ضربه زننده است.

اولاً این نظارت و هدایت تنها وقتی می‌تواند مفید و موثر باشد که خود دولت ظاهراً یا باطناً و عملاً تحت کنترل و هدایت قدرتها و ابر قدرتها نباشد، وگرنه بصورت ابزاری قوی و خطرناک برای تعمیم هر چه بیشتر سلطه ابر قدرتها بکار خواهد رفت، (نمونه بارز آن تجارت خارجی در زمان پهلوی منفور می‌باشد)

ثانیاً دولت کارآئی و صلاحیت و تقوای لازم را داشته باشد. در بسیاری از کشورهای دنیای سوم، بدلیل عدم صلاحیت و تقوا و کارآئی دولتمردان، بعد

از کسب استقلال سیاسی، اقتصاد آنها بحای رشد و توسعه، و حرکت بسوی خود کفائی و استقلال، بدتر از زمان سلطه استعمار و استیلای خارجی دچار بحران و تلاطم گردیده است و همین امر موجب عکس‌العمل‌هایی شده است که به تشدید وابستگی‌ها منجر گردیده است.

بنابراین تا زمانی که دو احتمال بالا وجود دارد باید قدرت و امکانات نیروهای مردمی را در این فعالیت‌ها تقویت نمود.

پس از پیروزی انقلاب و پیش از تصویب قانون اساسی، دولت موقت در زمینه تحقق هدفها و آرمانهای اقتصادی انقلاب به مطالعه اساسی و تهیه طرحهای زیربنائی پرداخت و اولین اقدامات اساسی در جهت اصلاح روابط بازرگانی خارجی را آغاز کرد و بطورهمزمان طرحهای اجرائی مناسبی از قبیل ممنوع ساختن ورود میوه، اتومبیل‌های خارجی و جلوگیری از صدور اجازه واردات بافراذ یا گروههای انحصارگر را نیز بمورد اجرا گذاشت.

ادامه کار به تصویب قانون اساسی و تشکیل مجلس شورای اسلامی محول گشت که به موجب اصل ۴۴ تجارت خارجی در بخش دولتی آمده و تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط به وضع قانون واگذار شده است.

پس از تشکیل مجلس شورای اسلامی وزارت بازرگانی با استفاده از تجارب بدست آمده لایحه دولتی کردن تجارت خارجی را تنظیم و جهت بررسی و تصویب نهائی به مجلس تقدیم کرد. مجلس شورای اسلامی، بررسی آنرا به کمیسیون ویژه‌ای محول کرد. این کمیسیون کار خود را طی جلسات متعددی انجام و گزارش نهائی را به مجلس تقدیم نمود. مجلس نیز، جز در موارد معدودی لایحه پیشنهادی را به تصویب نهائی رسانیده و جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارجاع نمود.

خط مشی نهضت آزادی:

خط مشی نهضت آزادی ایران مصوبه تیرماه ۵۹ در قسمت الف بند ۷ بر

لزوم تبیین و برقرار ساختن نظام اقتصاد اسلامی و پاکسازی روابط اقتصادی و صنعتی کشور از ارزشهای ضد اسلامی یا غیر اسلامی نظام پیشین تکیه صریح نموده است.

در نظام پیشین ارزشی ساخته و مشخص نشده بود جز تقلید و تبعیض. در اقتصاد اسلامی اخلاق و معیارها و ارزشهای اسلامی بر روابط اقتصادی اشراف دارند. و در جمهوری اسلامی به این امر باید توجه گردد.

خط مشی نهضت هم چنین نیز کوشش در جهت تقویت خود جوشی و خود کفائی هر چه بیشتر جامعه در زمینه های اقتصادی فنی، علمی و قطع وابستگی های اسارت بار به دول خارجی و پایه ریزی روابط آزاد و مستقل که حافظ منافع ملت ما بوده و بالا برنده امکانات سرمایه های کشور گردد تاکید نموده است.

در ادامه همین خط مشی چهارمین کنگره نهضت آزادی - کنگره شهید چمران - که در آبان ۶۰ برگزار شد در بخش پنجم قطعنامه خود چنین تصویب نمود:

"قانون اساسی در اصول متعدد و بخصوص در فصل چهارم به منظور تامین استقلال اقتصادی و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد ضوابط و مقرراتی را پیش بینی نموده که متأسفانه تاکنون اجرا نشده است."

"نهضت آزادی ایران اجرای همه جانبه و وسیع این اصول را لازمه رفع بحران اقتصادی کنونی و آغاز دوران جدیدی از شکوفائی اقتصادی میدانند و معتقد است که عدم توجه به برنامه ریزی اصولی و علمی، بکارنگرفتن نیروهای لایق و متخصص وفادار به جمهوری اسلامی، عدم امنیت قضائی و شغلی و کسبی، بی توجهی به راه اندازی صنایع و سایر منابع

تولید، فقدان یک سیاست خارجی مشخص، از عوامل اساسی نابسامانیهای اقتصادی کنونی میباشد.

"نهضت آزادی ایران معتقد است که برای غلبه بر نابسامانیهای اقتصادی دولت وظیفه دارد با پایان دادن به بحران سیاسی کنونی شرایط جذب نیروهای متعهد و کارداران را برای تنظیم برنامه‌های اساسی در جهت اجرای اصول مطرح در قانون اساسی، خصوصاً اصول فصل چهارم فراهم سازد".

بیانیه نهضت به مناسبت چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب نیز اجرای دقیق و کامل فصل چهارم قانون اساسی در باره مسائل اقتصادی (را) برای تداوم انقلاب شرطی لازم و حیاتی دانسته است.

بدین ترتیب نهضت آزادی ایران لزوم یک تغییر بنیادی و اساسی متناسب با معیارها و ارزشهای اسلامی و اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی در روابط اقتصادی را اعلام داشته است.

بررسی لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی

آیا لایحه تصویب شده تأمین کننده اهداف انقلاب اسلامی و تحقق بخش اصول مطرحه در قانون اساسی خواهد بود یا خیر؟ برای اینکه بدین پرسش پاسخ دهیم این لایحه را به قانون اساسی عرضه کرده ارزیابی می‌کنیم.

اصل چهل و چهارم قانون اساسی که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم کرده و بازرگانی خارجی را به بخش دولتی محول نموده است، با واقع بینی تمام تصریح کرده است که:

"مالکیت در این بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب

رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود ،
مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است ، تفصیل ضوابط
و قلمرو شرایط هر سه بخش را قانون معین می کند ."

بطوری که ملاحظه می شود قانون اساسی حمایت از مالکیت
در هر سه بخش یعنی هم در بخش دولتی و هم در بخش
تعاونی و هم در بخش خصوصی را مشروط به چهار شرط
دانسته است که عبارتند از :

۱ - مطابقت با اصول دیگر این فصل ، یعنی فصل چهارم
قانون اساسی از جمله اصل ۴۳ .

۲ - عدم خروج از محدوده قوانین اسلام

۳ - تاثیر آن در رشد و توسعه اقتصادی کشور

۴ - عدم زیان و ضرر برای جامعه

از چهار شرط یاد شده در اصل ۴۴ ، دو شرط اول یعنی رعایت اصول دیگر
قانون اساسی و مقررات اسلامی کم و بیش ثابت و لایتغیر هستند . اما دو شرط
آخرین که یکی ایجابی و دیگری سلبی است ، کاملا متغیر و تابع وضعیت خاص
مملکت و اوضاع و احوال و ضرورت های مرحله ای رشد می باشند .

عدم مطابقت با اصل ۴۳ :

یکی از اصول فصل چهارم که رعایت آن در همین اصل ۴۴ الزامی شده
است اصل ۴۳ میباشد . اصل ۴۳ تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های
خاص (نظیر وارد کنندگان کالاهای مورد نیاز کشور در دوران طاغوت و تا حدی
تا حال حاضر) را با صراحت منع نموده است . در عین حال همین اصل نیز منع
مینماید که " دولت به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآید "

نظام اقتصاد اسلامی نه سرمایه‌داری است که تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاصی را اجازه بدهد و نه سوسپالیستی که بخش خصوصی از بین رفته و دولت بصورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآمدی باشد و دولت جانشین "خدا" و "مالک و کنترل کننده" ناظر و متصدی تمامی فعالیت‌ها شده باشد.

لایحه بازرگانی خارجی بشکلی که تصویب شده است ممکن است هدف قسمت اول از اصل ۴۳ را تا حدودی تامین کند یعنی مانع تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص بشود. اما اجرای آن به یک بورکراسی عظیم و سی سابقه‌ای نیاز دارد این امر همراه با سایر نهادها و تاسیسات تولیدی و اقتصادی تحت تصدی دولت قطعا دولت را بصورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درمی‌آورد که با هدف ذکر شده در قسمت دوم اصل ۴۳ مغایر است.

هم اکنون دولت جمهوری اسلامی بصورت یک کارفرمای بزرگ مطلق نه تنها در زمینه فعالیت‌های تجارتي، بلکه در سایر زمینه‌ها درآمدی است. کافی است به موسسات و نهادها و فعالیت‌ها در زمینه مالی، تجاری و صنعتی، داخلی یا خارجی نگاهی بیفکنیم! مشهود است که در مسائل اقتصادی نیز، همچون برخی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی، اصول مصرحه در قانون اساسی نادیده گرفته شده‌اند.

محدوده قوانین اسلام:

در اصل ۴۴، این مسئله به صراحت بیان شده است که مالکیت در هر سه بخش دولتی و تعاونی و خصوصی باید از محدوده قوانین اسلام خارج نشود. علاوه بر اصل مزبور، در اصل ۴ قانون اساسی آمده است که هیچیک از مصوبات مجلس و قوانین نباید از محدوده قوانین اسلام خارج شود. اینکه آیا لایحه مصوبه رعایت این شرط اساسی، از شروط یاد شده در اصل

۴۴ قانون اساسی را نموده است یا خیر قابل بحث و بررسی است و مسلماً فقهای شورای نگهبان در این مورد بخصوص اظهار نظر خواهند نمود .

رشد و توسعه اقتصادی کشور عدم زیان و ضرر برای جامعه

اصل ۴۳ برای رشد و شکوفائی اقتصادی و حوب برنامه ریزی عمومی برای اقتصاد کشور و تعیین ضرورت‌هایی که بر این برنامه‌ها در هر یک از مراحل رشد حاکم باشند را به صراحت بیان می‌کند .

آیا دولت تاکنون توانسته است برای اقتصاد کشور یک برنامه ریزی عمومی منطقی ارائه دهد؟ و مراحل رشد را مشخص و ضرورت‌های حاکم بر هر مرحله از رشد را معین سازد؟ تا بر اساس این برنامه ریزی ضرورتها، و متناسب با آنها بتوان اولویت‌ها را در بازرگانی خارجی پیش بینی کرد؟

اقتصاد فعلی کشورمان اقتصادی تک محصولی صد درصد وابسته به نفت است .

این وضعیتی است که در رژیم گذشته بر ما تحمیل کردند و متأسفانه همچنان

ادامه دارد . آیا با ادامه چنین وضعی و روابطی می‌توان به رشد و شکوفائی

اقتصادی سالم مستقل از ابر قدرتها امیدوار بود؟

چگونه می‌توان از رشد و شکوفائی اقتصادی صحبت کرد در حالیکه هنوز هم اصلی‌ترین منبع درآمد دولت ارز حاصل از فروش نفت است؟ که تنها از طریق

ورود کالاها و خدمات خارجی قابل انتقال به داخل و استفاده میباشد؟

صادرات غیر نفتی ایران در دوران رژیم طاغوت وضع فلاکت‌باری داشت .

بعد از انقلاب در دوران دولت موقت ، در سال ۱۳۵۸ به موجب آمار بانک مرکزی ،

ارزش صادرات غیر نفتی از افزایشی معادل ۴۶ درصد برخوردار گردید . اما با

کمال تأسف در سال ۱۳۶۰ ارزش صادرات غیر نفتی تا حدود ۵۰٪ کاهش پیدا

کرد .

در لایحه مصوبه، اگرچه پیش بینی‌ها و توجیهاتی در امر صادرات شده است اما، همانطور که مقامات مسئول هم در مجلس بیان کرده‌اند دولت بدلیل پیچیدگی امر صادرات آمادگی لازم را برای انجام چنین امر عظیمی ندارد. آیا این عذر بدتر از گناه نیست؟ در اینصورت آینده صادرات کشورمان چه خواهد بود؟ اهمیت این امر زمانی معلوم میشود که به سیر نزولی صادرات در دو سال گذشته توجه گردد.

بنظر نمیرسد که بتوان امید داشت برای مقابله با چنین وضع خطرناکی لایحه مصوبه راه حل مناسب و مفیدی را ارائه داده باشد.

حاکمیت و تصدی:

در لایحه مصوبه، دو مفهوم حاکمیت و تصدی در دولتی کردن بازرگانی خارجی، مخلوط شده است. دولتی کردن بازرگانی خارجی به معنای حاکمیت دولت بر کلیه روابط بازرگانی خارجی میباشد. این امر ضرورتاً بمعنای آن نیست که دولت تصدی انحصاری تمامی امور بازرگانی خارجی را در دست گرفته و کلیه امور واردات و صادرات را خود انجام دهد.

بنظر ما چنین امری یعنی تصدی صددرصد انحصاری در امر صادرات و واردات تمامی کالاها توسط دولت نه تنها موجبات رشد و شکوفائی اقتصاد کشور را که اصل ۴۴ بر لزوم آن تکیه نموده است فراهم نمیاورد. بلکه بحال جامعه و رشد اقتصادی زیان آور است.

باید توجه کرد آنچه که موجب رشد و شکوفائی اقتصاد مملکت میگردد، تصدی هر چه بیشتر و انحصاری تمامی فعالیت‌های مملکتی، از جمله تجارت خارجی، توسط دولت نیست. بلکه این تفکر حاکم بر دولت و خط مشی منبعث از آن و کارآئی دولت در برنامه‌ریزی‌ها و اجرای صحیح آنها است که نقش اساسی را ایفا

میکنند. اگر قرار بود دولتی کردن بمعنای تصدی کامل تجارت خارجی در دست دولت هدفها و آرمانها و استقلال اقتصادی و سیاسی را تامین نماید، دولت‌های قبل از انقلاب میبایستی در این امر توفیق پیدا میکردند. تجارت خارجی ایران بموجب قانون انحصار بازرگانی خارجی، مصوبه اسفند ۱۳۰۹ کلا در اختیار و انحصار دولت بوده است. در دهه ۱۳۱۰، بموجب همین قانون و متمم آن تصدی واردات و توزیع شکر و چای، تریاک، دخانیات، ابریشم و نوغان، کالاهای پنبه‌ای و نخ‌اتوموبیل، غلات، قالی، و خشکبار پشم و پوست، انحصاراً در اختیار دولت بوده است. اما آیا این تصدی انحصاری توانست کمترین خدمتی به رشد اقتصادی و تحقق استقلال اقتصادی بنماید و یا حتی کشور را در زمینه تولید این کالاها به خود کفائی برساند؟ یا بر عکس موجب تشدید وابستگی و تضعیف بنیادهای اقتصادی کشور و ابزاری در دست رژیم دست نشانده و وابسته پهلوی برای سرکوب ملت و غارت منابع مملکت گردید.

لایحه مصوبه، هدفهای اقتصادی بسیار مهمی را بر اساس مصالح ملی و معیارهای انقلاب و اسلام معین کرده است. اما لازمه تحقق هیچیک از آنان تصدی کامل و انحصاری تجارت خارجی در دست دولت نمیشد. مثلاً برای جلوگیری از تجمل‌گرایی و تنوع‌طلبی در مصرف و عدم ورود کالاهای غیر ضروری و مصرفی نیازی بتصدی مستقیم و انحصاری دولت نیست زیرا دست دولت برای عمل باز است. حتی قوانین گذشته هم امکان کنترل وسیعی را بدولت داده است. نه تنها قوانین موجود این امکان را بدولت میدهد بلکه دولت با کنترل کامل و صددرصد ارزهای خارجی قادر به اعمال چنین کنترلی میباشد. تجار واردکننده و بخش خصوصی ارزش مورد نیاز برای خرید کالاهای مورد نظر، از جمله کالاهای غیر ضروری و مصرفی را، از بانک مرکزی دریافت نمیکردند. بعلاوه قسمت اعظم ارزش مورد نیاز خرید کالا از خارجه، از محل صادرات نفت تامین میشود که کلا در اختیار دولت است. این دولت است که می‌تواند برای خرید کالاهای مورد نیاز از بازارهای

جهان ارز لازم را در اختیار وارد کنندگان بگذارد و در اینجا باید تاکید شود آنچه نقش تعیین کننده دارد سیاست و خط مشی اقتصادی دولت است که باید اعلام شده بمرحله اجرا درآید. حاکمیت دولت در بازرگانی خارجی به این معنا است که دولت موظف است لیست کالاهائی را که ورود آنها را لازم و مفید و مجاز تشخیص میدهد تعیین کند و حتی کشورهای تولید کننده را بر اساس خط مشی و سیاست آنها در برابر جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران تقسیم بندی نموده و در اختیار عموم وارد کنندگان، نه افراد و گروههای برگزیده، بگذارد و از پرداخت ارز برای خرید کالاهای غیر ضروری و مصرفی و تجملی و یا خرید کالاهای مجاز از کشورهای نامطلوب خودداری نماید و بر عکس برای خرید کالاهای ضروری و مجاز از کشورهای دوست و مطلوب تسهیلات لازم را فراهم سازد. اگر دولت‌های قبل از انقلاب بر اساس خط مشی و سیاستهای ضد اسلامی خود اعمال حاکمیت می‌نموده‌اند مسلماً دولت‌های انقلاب می‌توانند بر اساس خط مشی و سیاستهای صحیح و اسلامی اعمال حاکمیت نمایند. اگر دولت تا بحال در این کار توفیق نیافته است و هنوز کالاهای غیر ضروری و مصرفی و تجملی حتی از کشورهای دشمن و یا نامطلوب وارد ایران می‌شوند و بازارهای ما را پر کرده‌اند بدین دلیل است که مسئولان وظیفه خود را خوب انجام نداده‌اند.

تمرکز در وزارت بازرگانی :

علاوه بر مسائل بالا در لایحه مصوبه تصدی واردات و صادرات کلیه اقلام که حجم پولی آن یک سوم بودجه کل مملکت را تشکیل میدهد در وزارت بازرگانی متمرکز شده است، برخی از مخالفین این لایحه استدلال میکنند که چنین تمرکز بیسابقه‌ای در یک وزارت خانه، امر دولتی کردن بازرگانی خارجی را به "وزارت بازرگانی" کردن آن تهدیل نموده است و با توجه به کمبود کادرهای ورزیده‌ی

متعهد که مدیر و مدیر باشند احتمال بروز مشکلات ناشی از سوء مدیریت و نابسامانی و یا انحرافات بسیار بالا می‌باشد. این دسته از مخالفین می‌گویند که اصل ۴۴ قانون اساسی، دولتی کردن بازرگانی خارجی را تحت شرایطی تصویب کرده است. اما نکته است که تماماً باید در وزارت بازرگانی متمرکز گردد. بنظر اینها تصدی واردات برخی از کالاها توسط چند وزارتخانه حداقل در مراحل اولیه و با توجه به شرایط کنونی هم ضروری و هم مفید بوده و موجب جلوگیری از برخی نابسامانیها خواهد شد. اما مقامات دولتی ضرورت تمرکز تمامی واردات و صادرات را در وزارت بازرگانی بخاطر ایجاد هماهنگی لازم میدانند، اما ایجاد هماهنگی میان فعالیت بخشهای مختلف دولت تنها در قلمرو واردات و صادرات کالاها نیست که ضروری است بلکه در تمامی مسائل اساسی مملکت این هماهنگی ضرورت دارد.

هر کس که کمترین تجربه و یا آشنائی با فعالیت‌های مملکتی داشته باشد می‌داند که مسائل چقدر بهم پیوسته هستند. و هماهنگی تمامی نهادها و بخشها تا چه اندازه ضروری است. آیا بدلیل نیاز به هماهنگی می‌توان تمامی فعالیتها را در یک نهاد متمرکز ساخت؟ این تمرکز علاوه بر آنکه مفید نیست بدلیل ایجاد بوروکراسی عظیم و عدم برخورداری از مدیریت‌های مجرب و کار دیده، مضرو فاجعه‌آور است. هم اکنون نمونه‌های زیادی از این نابسامانیها در امر واردات کالا توسط مدیران حدید و بی‌تجربه وجود دارد که جای بحث آنها در این مجموعه نیست و دولتمردان خود بهتر از هر کس باین مسائل واقف هستند. بنظر ما شاید بتوان با تفکیک وظائف و تقسیم وزارت بازرگانی کنونی به چند وزارتخانه، نظیر وزارت بازرگانی خارجی و ... تا حدی از این تمرکز جلوگیری کرد.

دولتی کردن بازرگانی داخلی:

لایحه مصوبه آنچنان است که نه تنها حاکمیت و تصدی انحصاری کلیه اقلام

کالاهای وارداتی و صادراتی بر عهده وزارت بازرگانی گذاشته شده است بلکه پیش‌بینی شده است که در بازرگانی داخلی و در خرید و فروش و توزیع کالاها نیز به میزان وسیعی بخش دولتی ابتکار و تصدی را در دست خواهد داشت. و هم اکنون نیز خرید و فروش و توزیع بسیاری از کالاهای اساسی و ضروری و غیر ضروری توسط بخش دولتی انجام می‌گیرد.

بازرگانی خارجی دولتی در سایر کشورها:

در جستجوی راه‌حلهای مناسب بخصوص بایستی تحارب سایر کشورهای جهان را مورد توجه قرار داد.

در کشورهای صنعتی و باصطلاح پیشرفته جهان، که عموماً در نیمکره شمالی قرار دارند، دو نوع نظام اقتصادی مشخصی دیده می‌شود. در کشورهای اروپای غربی و آمریکا، حاکمیت نسبی دولت بر امر تجارت خارجی برقرار است. و جز برخی کالاهای استثنائی، دولت تصدی انحصاری خرید و یا فروش (ورود یا صدور) هیچ کالائی را در اختیار ندارد. در کشورهای اروپای شرقی که نظام سوسیالیستی حاکم است دولت حاکمیت و تصدی کامل و انحصاری بر تمامی فعالیت‌های اقتصادی از جمله تجارت خارجی دارد.

در کشورهای دنیای سوم، که عموماً در نیمکره جنوبی قرار دارند، برخی به کشورهای سرمایه‌داری غربی وابسته بوده و از آنها تبعیت تقلید می‌کنند. و برخی از کشورهای سوسیالیستی پیروی می‌نمایند. در کشورهای وابسته به غرب در دنیای سوم، حاکمیت دولت خیلی وسیع‌تر از خود کشورهای غربی است و دولت‌ها کنترل‌بخش‌عظیمی از فعالیت‌های اقتصادی را در دست دارند. و علاوه بر حاکمیت، تصدی مستقیم قسمت اعظم فعالیت‌های تجارتی را نیز در دست دارند (نظیر ترکیه، پاکستان و ایران زمان شاه).

در این کشورها از آنجا که اهداف و خط مشی ها و سیاستها و برنامه های دولت در جهت خاصی میباشد، اعمال هر چه بیشتر قدرت دولت، اعم از حاکمیت یا تصدی بنفع تشدید وابستگی میباشد. بررسی وضعیت اقتصادی این کشورها، نظیر ترکیه و پاکستان، بحران عمیق و گسترده اقتصادی را نشان میدهد.

شک نیست که طرز کار این دسته از کشورها نمی تواند نمونه و الگو برای جمهوری اسلامی ایران باشد. نظامهای دیگری که نمونه و الگو برای بررسی می باشند عملکرد کشورهای با اصطلاح سوسیالیستی است که خط مشی ها و برنامه های آنان با کشورهای دسته اول کاملا متفاوت است و حاکمیت و تصدی امور تجارتي كلا در دست دولت میباشد. در این نوشتار ما به بررسی بیشتری از وضع این کشورها می پردازیم.

در کشورهای سوسیالیستی، حاکمیت و تصدی در تجارت، اعم از داخلی یا خارجی تماما در انحصار دولت است. بررسی وضعیت اقتصادی این کشورها، چه به لحاظ تامین زندگی محرومان جامعه و چه به لحاظ قطع بستگی های اسارت بار به خارج بسیار آموزنده است و عمق مشکلات آنان را نشان میدهد.

در کشورهای سوسیالیستی که کلیه ابزار تولید در دست دولت است و برنامه ریزیها در تمامی سطوح متمرکز انجام می گیرد و تصدی بازرگانی خارجی و داخلی کاملا در دست دولت است ضمن آنکه دست آوردهای مناسبی دیده میشود دستگاههای اجرائی پر خرج و فساد پذیرند. بوروکراسی شدید و سطح کارآیی پایین است. به خلاقیت و ابتکار بها داده نمیشود و در نتیجه این کشورها از بهرشرفتهای علمی و فنی زمان عقب تو هستند. در عمل نیز انعطاف پذیری لازم به منظور پاسخگویی سریع به نیازها و تحولات بازار را دارند و برنامه های تعبیه شده نیز بطور دقیق اجرا نمی شود. سطح زندگی مردم اگر چه ارتقاء پیدا کرده است اما برای قضاوت بهتر می بایستی نرخ ارتقاء سطح زندگی مردم در این کشورها را نه با گذشته خود آنان، بلکه با کشورهایی که وضعیت مشابهی داشته اند مقایسه

در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ تجارت خارجی کشورهای سوسیالیستی تصویر بسیار جالبی را نشان میدهد .

تجارت خارجی آلمان شرقی در ۱۹۶۰ حدود ۱۰۲ میلیون اضافه صادرات داشته است در حالیکه در ۱۹۷۹ تجارت خارجی این کشور با موازنه منفی برابر با ۴۱۹۰ میلیون دلار کسری روبرو بوده است .

تجارت خارجی رومانی در ۱۹۶۰ حدود ۶۹ میلیون دلار موازنه مثبت داشته است ولی در ۱۹۷۹ این موازنه منفی و برابر با ۱۱۹۲ میلیون دلار کسری داشته است .

تجارت خارجی بلغارستان در ۱۹۶۰ کسری موازنه اش حدود ۶۱ میلیون دلار بوده است که در سال ۱۹۷۸ این کسری به ۱۷۳ میلیون میرسد .

چکوسلواکی در ۱۹۶۰، موازنه مثبتی برابر با ۱۱۴ میلیون دلار داشته است که در سال ۱۹۷۹ به کسری برابر با ۱۰۶۴ میلیون دلار میرسد .

لهستان در ۱۹۶۰ کسری موازنه اش برابر ۱۶۹ میلیون دلار بوده است که این کسری در ۱۹۷۸ به ۲۳۵۱ میلیون دلار میرسد .

مجارستان در ۱۹۶۰ کسری موازنه ای برابر با ۱۰۲ میلیون دلار داشته است که این رقم کسری در سال ۱۹۷۸ به ۱۵۵۷ میلیون دلار میرسد .

یوگسلاوی در ۱۹۶۰ کسری موازنه ای برابر با ۲۶۰ میلیون دلار داشته که در سال ۱۹۷۹ این کسری به ۷۲۲۵ میلیون دلار میرسد .

بعبارت دیگر اگر چه حاکمیت و تصدی تجارت خارجی در این کشورها تماما و انحصارا "دردست دولت میباشد لکن موازنه واردات و صادرات نه تنها بهبود پیدا نکرده است بلکه این انحصار تجارت بدلیل خط مشی سیاسی دولت ها دقیقا تنها بنفع یک دولت خارجی ، یعنی روسیه شوروی تمام شده است . آمار تجارت خارجی روسیه نشان میدهد که بیش از ۵۰ درصد تجارت خارجی روسیه شوروی با

کشورهای عضو بازار مشترک بلوک شرق (کومکون) و سایر کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال توسعه میباشد و بقیه آن با کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری است. بموجب این آمار صادرات شوروی به کشورهای غیر سرمایه‌داری تماما افزایش چشم‌گیری را نسبت به واردات از آن کشورها نشان میدهد. حجم عمده و قابل توجهی از تبادلات بازرگانی کشورهای اروپای شرقی با شوروی است (آلمان شرقی ۳۶، رومانی ۳۹، چکوسلواکی ۷۰، لهستان ۴۰ و مجارستان ۵۸ درصد).

در ۱۹۶۰ تجارت خارجی روسیه موازنه‌ای منفی و برابر ۶۶ ملیون دلار کسری داشته‌است. اما در ۱۹۷۹ صادرات شوروی به خارج قریب به ۶۷۰۰ ملیون دلار بر واردات آن افزایش نشان میدهد.

بدین ترتیب بر عکس روسیه شوروی که بازرگانی خارجی‌اش با موازنه مثبت چشم‌گیری روبروست سایر کشورهای سوسیالیستی با موازنه منفی وحشتناکی روبرو هستند.

علاوه بر کشورهای سوسیالیستی، هند نیز تجارت خارجی خود را دولتی نمود. و بررسی نتایج دستاوردهای آنان تحارب خوبی را ارائه میدهد تحلیل منتشر شده از جانب وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی این تحارب را بشرح زیر جمع بندی نموده است:

"هندوستان، در اوائل موفقیت‌هایی در این زمینه کسب کرد لکن تدریجا آثار ضعف‌ها و کمبودها ظاهر شدند و در مواردی چند دولت حتی ناچار گردید تجارت بعضی از اقلام را که قبلا بطور کامل بعهده بنگاه تجارت دولتی هند گذارده بود مجدداً در اختیار بخش خصوصی قرار داده و یا از مشارکت تضمین شده آنان بهره‌گیرد".

نشریه مزبور که تجارت خارجی هند را تجربه ناموفقی در دولتی کردن نامیده است توصیه می‌کند که جمهوری اسلامی می‌بایستی حتماً از تحارب هند سود

گرفته و حتی الامکان اشتباهات آنان را مرتکب نشود و لذا مواردی را توصیه کرده است که باید حتما بدانها توجه کرد. اما جالب است که در لایحه مصوبه هیچکدام از آن درسها و تجارب آموزنده و توصیه‌ها توجهی نشده است.

در الجزایر روش دولت را مر دولتی کردن تجارت خارجی محتاطانه و تدریجی بوده است. در ابتدا فقط حاکمیت دولت بازرگانی خارجی اجرا شد. یعنی دولت مقررات و قوانین را وضع و بخش خصوصی موظف بود برای واردات از دولت اجازه بگیرد. در مرحله بعد شرکتهای بازرگانی دولتی تشکیل یافتند تا مسئولیت کلیه واردات اساسی را در دست بگیرند. معذالک آن دسته از کالاهایی که بخش مهمی از واردات را تشکیل میدادند در بخش خصوصی باقی ماند. دولت الجزایر باین نتیجه رسید که کنار گذاشتن واسطه‌های داخلی بعلت داشتن امکانات حمل و نقل و اطلاعات و تجربه در امر توزیع مشکلاتی را در کوتاه مدت بوجود می‌آورد.

معذالک مقامات رسمی دولت از آنچه امروز بعد از گذشت قریب به بیست سال از پیروزی انقلاب بدست آمده است راضی نیستند و خود در صدد چاره جوییهای میباشند.

در لیبی نیز تجارت خارجی کلا در دست دولت است. گزارشات موجود تصویری تیره و نامطلوب از تجارت خارجی لیبی ارائه می‌دهد.

لیبی اگر چه مشکل عدم توازن پرداختها در بازرگانی خارجی را ندارد و صادرات عظیم نفت این مشکل را حل کرده است. اما مشکل واقعی اقتصاد لیبی همین وابستگی تمام و کمال به صادرات نفت است. هر ساله میلیاردها دلار ارز حاصله از فروش نفت بصورت کالاهای مصرفی و غیر اساسی وارد لیبی میشود حجم واردات مرتبا روبه افزایش است.

روزنامه الزحف الاخضر نشریه رسمی لیبیائی در شماره ۱۴ سپتامبر ۸۱ خود ضمن ارائه آمار و بحث در باره آنها می‌نویسد:

"کشتی‌ها از ما نفت می‌گیرند و در برگشت هر چه دلشان می‌خواهد بما میدهند و مسئولین اقتصادی ما بخیال خود شان با این کیفیت وسایل خوشبختی و رفاه ما را مهیا ساخته‌اند." "بدین ترتیب ما بصورت یک ملت مصرف‌کننده ناز پرورده درآمدیم که دست به تولید نمیزند چون وزارت اقتصاد بازار را پر کرده است راستی در این سرزمین چه حرفهای عجیب و غریبی زده میشود و انسان با چه اتفاقات عجیبی روبرو میشود. آنهم در کشوری که ملتش آزادی بدست آورده قدرت ثروت و سلاح را در دست گرفته و یک ایدئولوژی کاملی در سیاست و اقتصاد و جامعه شناسی در پیش گرفته که میخواهد با این ایدئولوژی بشر را نجات دهد و زور و اجحاف را از او دور سازد و کمیته‌ها را تشکیل داده تا اقتصاد کشور را در دست بگیرد و بر آن نظارت کند. یک شورای عالی اقتصاد تشکیل داده تا اقتصاد سراسر کشور را زیر نظر بگیرد ولی این ملت قبل از اینکه در فکر نجات دیگران باشد باید خود را از این اقتصاد وابسته نجات دهد اقتصادی که وابسته به سرمایه‌داری جهانی است و وزارت اقتصاد پایه‌ها و مقررات آن را تعیین می‌کند."

در مصر و عراق و سوریه نیز بازرگانی خارجی دولتی بوده و میباشد در مصر زمان ناصر تصدی بازرگانی خارجی تماما در انحصار دولت بود در سوریه و عراق هنوز هم هست. عمق فاجعه در اقتصاد و تجارت این کشورها آنقدر است که حتی بدون بررسی آماری برای آشنایان بمسائل اقتصادی کاملا محسوس است.

جمع بندی و اظهار نظر:

با توجه به توضیحات بالا نهضت آزادی ایران معتقد است لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی مصوبه مجلس شورای اسلامی، بدون توجه به چهار شرطی که باصراحت در اصل ۴۴ آمده است و ناظر به حدود و قلمرو و ضوابط مالکیت در سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی است تهیه گردیده است و از این شروط حد اقل سه شرط آن نادیده گرفته شده است.

در لایحه تصویب شده حاکمیت و تصدی تجارت خارجی تماما و انحصارا " در اختیار دولت قرار داده شده است. تجزیه تصدی انحصاری باین شکل در سایر کشورهای جهان تجربه ناموفقی بوده است و در شرایط ایران هم نه تنها موجبات رشد اقتصادی رافراهم نخواهد ساخت بلکه مضر و زیان آور است. تصدی انحصاری تمامی اقلام کالاهای وارداتی و تمامی اقلام کالاهای صادراتی در این مرحله نه مفید برای رشد اقتصادی است و نه عملی است. و مسلما نقض غرض بوده و به ایجاد یک ماشین عظیم و پرخرج بورکراسی، و در بسیاری موارد بی تجربه، که بهیچ وجه کارآئی لازم را در حصول هدف نخواهد داشت منجر خواهد شد.

اصل ۴۴ قانون اساسی مالکیت در هر سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی را در کنار هم مطرح ساخته است. نهضت آزادی ایران معتقد است ضروری است حدود و ضوابط و قلمرو مالکیت در هر سه بخش بهم و یک جا مشخص و معین گردد. تا این امر روشن نشود تحرک لازم در فعالیتهای اقتصادی، خصوصا تولیدات داخلی بوجود نخواهد آمد.

متأسفانه در طی دوران بعد از انقلاب بخش دولتی حداقل کارآئی را از خود نشان داده است و بخش خصوصی هم فعالیتهای خود را بحداقل تقلیل داده است. در حالیکه جناحی از بخش خصوصی که ناسالم و از اپادی و عوامل

رژیم سابق بود از صحنه طرد شده است که میبایستی طرد میشد جناح سالم و مومنی که متعهد به ارزشهای اسلامی است و سالها تامین کننده احتیاجات حوزه علمیه و حرکت اسلامی بوده است و در طی دوران انقلاب هم تمامی امکانات خود را در اختیار حرکت اسلامی قرار داد، اکنون قسمت اعظم تحرک اقتصادی خود را از دست داده است.

دولتمردان کنونی بکرات گفته‌اند و اکثرا هم تلاش دارند تا جناح سالم بخش خصوصی را به سرمایه‌گذاری در زمینه تولیدات داخلی، بحرکت درآوردند اما بنظر میرسد تا زمانی که دولت نتواند ضوابط و قلمرو حدود مالکیت در هر سه بخش را بوضوح معین سازد و امنیت کسبی و شغلی را تامین نماید چنین تلاشی به نتیجه نخواهد رسید.

مانگران آن هستیم که برداشتن گامهای نادرست در امر تجارت خارجی در این مرحله خطیر و حساس موجب آن شود که زیانها و ضررهای جبران ناپذیری به اقتصاد کشور وارد شود و متصدیان امور را در وضعیتی قرار دهد که بالاچار برای خروج از آن شرایط نامطلوبی را در زمینه روابط بازرگانی خارجی بپذیرد که با اصل عدم وابستگی تعارض پیدا کند. ما نگران آن هستیم که با بروز نابسامانیها میدان بدست کسانی بیفتد که با اصل حق حاکمیت دولت بر بازرگانی خارجی و تحولات اساسی در زمینه مسائل اقتصادی مخالفت و می‌کوشند تا اصل آنرا، مخدوش سازند. چنین دورنمایی مسلما بنفع مستضعفان مملکت و رشد و شکوفایی اقتصادی و قطع وابستگی‌ها نیست و دقیقا در دراز مدت بضرر مملکت خواهد بود.

بنظر ما در مراحل اول بمنظور اجرای برنامه‌های رشد اقتصادی لازم و ضروری است که دولت تصدی چند قلم از کالاهای عمده وارداتی که از نظر حجم پولی و وزنی حدود ۷۰ تا ۸۰٪ کل واردات کشور را تشکیل میدهند در دست بگیرد و اجازه ورود سایر اقلام را به طور عادلانه و تساوی میان وارد کنندگان تقسیم کند و باین ترتیب جلوی اعمال خلاف برخی وارد کنندگان را سد نموده و بنفع مصرف

کننده وارد عمل شود .

جمهوری اسلامی ایران ادعا دارد که اقتصاد اسلامی نه سرمایه‌داری و نه سوسیالیستی است که نه براه اقتصاد سرمایه‌داری غربی که آزادی کامل و بی حساب و کتاب روابط اقتصادی و تجارتي که رژیم شاه بر آن اصرار و تاکید داشت و نهایتاً در خدمت سرمایه‌داری وابسته به غرب بود ، خواهد رفت و نه به شیوه‌های رائج در نظامهای سوسیالیستی ، که حاکمیت و تصدی انحصاری دولت بر تمامی منابع و کارخانجات و خدمات و روابط است و دولت بعنوان یک کارفرمای بزرگ همه فعالیت‌ها را کنترل و در تمامی آنها دخالت مستقیم می‌نماید ، متوسل خواهد شد . بلکه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران متعهد است و می‌خواهد راه جدیدی را به جهان عرضه کند . بنابراین جمهوری اسلامی نباید قدم در راهی بگذارد که خلاف چنین ادعا و اعتقادی است و دیگران آنرا تجربه کرده‌اند و موفق نبوده‌اند .

نهیضت آزادی ایران

تیرماه ۱۳۶۱

بعدالتحریر

پس از تهیه این تحلیل و قبل از انتشار آن شورای نگهبان مصوبه قانونی مجلس شورای اسلامی را با ذکر ایرادتی رد و به مجلس عودت داد . ایرادات شورای نگهبان شامل تکیه لایحه مصوبه بر تصدی انحصاری تمامی کالاهای وارداتی و صادراتی بخصوص محدودیت‌های غیرشرعی بر عملیات صاحبان کالاهای صادراتی و هم چنین غیر شرعی بودن برخی از مواد لایحه میباشد .

در تحلیل حاضر ما به اینکه آیا لایحه مصوبه با احکام اولیه شرع انور مغایرت دارد یا خیر نه پرداخته‌ایم . و همانطور که ملاحظه میشود فقهای محترم شورای نگهبان در این مورد نظر داده‌اند و باین ترتیب در لایحه مصوبه رعایت شرط اول ذکر شده در اصل ۴۴ یعنی عدم خروج از محدود قوانین اسلام نیز نشده است .

مرکز پخش: دفتر نهضت آزادی ایران

تهران - خیابان استاد مطهری - شماره ۲۳۴ تلفن ۸۳۳۷۵۷

تحلیلی درباره بازرگانی خارجی

گرد آورنده و ناشر: نهضت آزادی ایران

چاپ دوم: مرداد ۱۳۶۲

تیراژ: ۱۰۰۰۰ جلد

چاپ: احمدی

قیمت ۳۵ ریال